

نقش حوزه‌های علمیه در سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی

مهدی طاهری^۱

چکیده

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی و باهدف تبیین کارکرد حوزه‌های علمیه و سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی به رشته تحریر درآمده است. در پاسخ به این سؤال که حوزه‌های علمیه به‌عنوان مراکز علمی، دینی و آموزشی چه نقشی در ایجاد و تداوم سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی دارند، می‌توان گفت حوزه‌های علمیه در کنار اینکه اهداف علمی، دینی و آموزشی را دنبال می‌کنند، با تقویت رویکرد تقریبی و تأکید بر مطالعات تطبیقی می‌توانند نقش مهمی در تحقق و تداوم سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی داشته باشند. همچنان حوزه‌های علمیه کارکردهای مهم اجتماعی نیز دارند. این کارکردها را می‌توان در نقش انسجام بخشی اجتماعی، بسترسازی فرهنگی سبک همزیستی مسالمت‌آمیز و مبارزه با عوامل اختلاف و ستیزه‌جویی اجتماعی دسته‌بندی نمود. پس از بررسی جایگاه و کارکردهای حوزه‌های علمیه در حوزه زندگی اجتماعی مسلمانان، نویسنده به این نتیجه دست‌یافته است که عملکرد درست حوزه‌های علمیه در بخش‌های یادشده، می‌تواند منجر به از بین رفتن زمینه‌های ستیزه‌جویی، خشونت‌گرایی و اختلاف میان پیروان مذاهب اسلامی گردد.

واژگان کلیدی: حوزه علمیه، کارکرد اجتماعی، هنجارهای مذهبی، همزیستی مسالمت‌آمیز و مذاهب اسلامی.

مقدمه

حوزه‌های علمیه مهم‌ترین مراکز نشر مبانی دینی، اعتقادی، فکری و اجتماعی میان مسلمانان است. حوزه علمیه نهادی است آموزشی، تربیتی، پژوهشی و تبلیغی که هدف و کارکرد عمده آن استقرار آموزه‌های دینی، تبیین مبانی اعتقادی و فکری و تداوم راه و روش رسالت پیامبر اسلام و ائمه است. ماهیت و کارکرد اجتماعی این نهاد دیرپای جامعه اسلامی، جهت‌دهی و هدایت افکار عمومی جامعه به سمت تعالی و پیشرفت اجتماعی و فردی است (مؤمنی و توکلی، ۱۳۹۷: ۱۰). در طول تاریخ، مهم‌ترین تحولات اجتماعی، اعتقادی و فکری از همین مراکز آغاز شده‌اند. به گونه‌ای که امروزه حوزه‌ها و مدارس دینی به یک نهاد مستحکم و مؤثر در تحولات اجتماعی جوامع اسلامی مبدل شده‌اند. نقش و جایگاه حوزه‌های علمیه در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی را می‌توان از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد.

گاهی حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز دینی با اهداف از قبل تعیین شده مورد مطالعه قرار می‌گیرند، گاهی نیز به ابعاد تاریخی و تبارشناسی تحولات حوزه‌های علمیه پرداخته می‌شود و گاهی نیز می‌توان از زاویه کارکردی به نقش و جایگاه این مراکز پرداخت. کارکرد به مفهوم مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک یا چند نیاز نظام اجتماعی به کار می‌رود. بر اساس نظریه فونکسیونالیستی، همه پدیده‌های اجتماعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای یک جامعه شکل گرفته، بقا و تداوم آن مشروط به کارایی و رفع نیازهای اجتماعی است. از همین رو، نهادها و سازمان‌های اجتماعی با از دست دادن کارکرد اجتماعی خود، از بین می‌روند و جای خود را به نهادها و سازمان‌های دیگر واگذار می‌کنند (میرزاپوری و اسماعیلی کریزی، ۱۳۹۳: ۶۷).

بنابراین، از باب مقدمه باید گفت که نفس تداوم و وجود حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز علمی، فرهنگی و اعتقادی ثابت‌کننده آن است که این نهاد به لحاظ اجتماعی کارکرد داشته است؛ زیرا هیچ نهاد اجتماعی بدون کارکرد نمی‌تواند بقا و تداوم داشته باشد. نگاه کارکردگرایانه به فعالیت‌های حوزه‌های علمیه به این معنا است

که این مراکز چگونه توانسته به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تداوم پیدا کند و بر سایر نهادها و سازمان‌های فکری و اجتماعی جامعه اثرگذار باشند. به عبارت دیگر، «تبیین کارکردی، یعنی تعیین اینکه آیا میان واقعیت مورد بررسی و نیازهای عمومی ارگانیزم اجتماعی انطباقی وجود دارد و این تطبیق چه چیزی را شامل می‌شود» (میرزاپوری و اسماعیلی کیزی، ۱۳۹۳: ۶۷). لذا بر اساس تحلیل کارکردی است که نقش نهادها آشکار می‌شود و نشان داده می‌شود که یک پدیده اجتماعی مورد بررسی چه تأثیراتی بر عملکرد کلی نظام یا اجزای سازنده آن می‌گذارد (کوزر، ۱۳۸۲: ۲۰۲-۲۰۳).

فعالیت‌ها و برنامه‌های حوزه‌های علمیه در دو سطح می‌تواند اثرگذاری و کارکرد اجتماعی داشته باشد. نخست کارکرد این مراکز در خصوص گروه‌ها و افرادی است که مستقیماً و یا با واسطه نزدیک با این مراکز در ارتباط هستند؛ مثل اساتید، طلاب و خانواده‌های آنان. دومین سطح که حوزه وسیع‌تری را شامل می‌شود، سایر نهادها و کل جامعه است؛ مثل نهاد خانواده، روابط میان اقوام، گروه‌ها و مذاهب اسلامی. نهاد حوزه به مثابه یک نهاد اجتماعی وابسته به دین، نقش مهمی در تأمین سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی دارد؛ زیرا «دین بر اساس مجموعه‌ای از باورها، آموزه‌ها، نمادها، هنجارها و سازمان‌ها، وابستگی و تعاملات نیرومندی با هریک از وجوه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌نماید. محتوای آموزشی، ابزار و نهادهای ناقل مفاهیم مذهبی، متولی احقاق اهداف دینی در جامعه هستند» (میرزاپوری و اسماعیلی کیزی، ۱۳۹۳: ۶۶). به همین دلیل همان‌گونه که دین و مذهب به‌عنوان یک شاخص فرهنگی باعث همبستگی اجتماعی می‌گردد، نهادها و سازمان‌های وابسته به آن نیز چنین نقشی را در ساختار جامعه بازی می‌کنند. بنابراین، حوزه‌های علمیه همانند هر نهاد اجتماعی دیگری کارکردهای اجتماعی مشخصی دارند که می‌تواند موضوع تحقیق قرار بگیرند. از همین رو در تحقیق حاضر تلاش می‌کنیم تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بررسی کارکردهای حوزه‌های علمیه در خصوص سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی پرداخته شود و به این سؤال پاسخ ارائه دهیم که حوزه‌های علمیه از چه

طریقی می‌توانند باعث شکل‌گیری و تداوم سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی شوند؟

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری حوزه‌های علمیه بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی، در خصوص شکل‌گیری و تداوم سبک همزیستی مسالمت‌آمیز نقش مثبت داشته باشد. لذا بر اساس این فرضیه بنا داریم در این تحقیق ابتدا به پیشینه و تاریخچه پیدایش حوزه‌های علمیه و سپس در خصوص رویکرد تقریبی و تطبیقی حوزه‌های علمیه و بعداً در مورد کارکردهای اجتماعی آن‌ها در زمینه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی بحث نماییم.

۱. پیشینه پیدایش حوزه‌های علمیه شیعیان

امروزه حوزه‌های علمیه به‌عنوان مهم‌ترین مراکز علمی، آموزشی و تربیتی در میان شیعیان به شمار می‌روند. در خصوص آغاز پیدایش این اصطلاح دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است. برخی به این باورند که اصطلاح حوزه علمیه طی چند قرن اخیر ایجا شده و اولین بار نیز توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، تأسیس گردیده است. برخی دیگر با توجه به مشترکات کارکردی و مفهومی که بین اصطلاح جدید حوزه علمیه با مراکز آموزش دینی شیعیان در گذشته وجود دارد، به این باورند که حوزه علمیه هرچند در گذشته به این نام یاد نمی‌شده، اما در واقع سابقه و پیشینه طولانی دارد. شریف رازی به این باور است که حوزه‌های علمیه اولین بار در قرن دوم هجری، توسط شیعیان اشعری و مهاجر در قم بنیان‌گذاری شده است (دانشیار، ۱۳۹۱: ۸۲).

تطور و تحول مراکز دینی شیعی از زمان صفوی‌ها آغاز می‌گردد. در این دوره مذهب شیعه در ایران رسمیت یافته و زمینه برای مراجع شیعی فراهم می‌گردد که این امر منجر به تحول حوزه‌های علمیه و تغییر رویکرد روحانیون شیعه می‌گردد (زهیری، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

اما اصطلاح حوزه علمیه با این ترکیب در زمان قاجار و دوره مشروطه در ایران

رواج یافته و بر سر زبان‌ها افتاده است. حتی مرکزی را که آیت‌الله حائری یزدی در قم تأسیس و سازمان‌دهی کرد، در ابتدا به نام «حوزه علمیه» شهرت نداشته است، بلکه یک دهه بعد این اصطلاح رواج یافته است؛ زیرا آیت‌الله حائری در نامه‌ای که به یکی از شاگردان خود نوشته، از مرکز تازه تأسیس خود به نام «علمیه» نام برده است (دانشیار، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ بنابراین اصطلاح حوزه علمیه تاریخ طولانی ندارد؛ اما جدید بودن اصطلاح دلیل بر بی‌اهمیت بودن و سابقه تاریخی نداشتن این نهاد علمی، آموزشی و تربیتی شیعیان با کارکردهای روشن اجتماعی و علمی نیست. بلکه نمونه‌های این گونه مراکز سابقه طولانی تاریخی دارد که توسط بزرگان و دانشمندان شیعی ایجاد شده و هرکدام در برهه خاصی از زمان، منشأ تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی نیز شده‌اند.

امروزه در میان جوامع اسلامی مراکز دینی که از آن‌ها به نام‌های مدرسه یا حوزه علمیه یاد می‌شود، مهم‌ترین مراکز علمی و دینی محسوب می‌گردند. مراکزی که هم در میان اهل سنت و هم در میان شیعیان از احترام و پایگاه اجتماعی قوی برخوردارند. درواقع میان جامعه و حوزه علمیه به این دلیل پیوند نزدیکی وجود دارد که اکثر رهبران سیاسی و اجتماعی فعال در حوزه دینی، فرهنگی و سیاسی در جوامع اسلامی، در همین مراکز آموزش دیده‌اند. بدون تردید آغاز پیدایش این مراکز هرزمانی که باشد، کارکرد و فعالیت‌های اجتماعی این نهادها، در جوامع فعلی اسلامی قابل انکار نیست. محققى در این زمینه می‌نویسد: «حوزه از آغاز شکل‌گیری خود در دنیای قدیم، همواره دارای ساختار بوده که کمابیش به اقدامات آن نظم می‌داده است. این ساختار در سال‌ها و قرن‌های گذشته با توجه به میزان رشد و پیشرفت جوامع در ابعاد گوناگون پاسخگوی نیازهای آن بوده است. در قرون گذشته روابط اجتماعی از پیچیدگی چندانی برخوردار نبود و حوزه‌های علوم دینی هم به‌عنوان جزئی از این روابط و ساختار اجتماعی و در درون آن‌ها عمل می‌کرده است» (اربطیان، ۱۳۸۵: ۱۱ به نقل از زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۷۹).

حوزه‌های علمیه در طول تاریخ یکی از مراکز مهم حل و فصل اختلافات و

مشکلات حقوقی میان مسلمانان بوده است (اعتمادی فرد و صارمی، ۱۳۹۶: ۵۵۲). تماس و ارتباط نزدیک حوزه‌های علمیه با گروه‌های مختلف جامعه نشان‌دهنده اهمیت و پررنگ بودن نقش این نهادها در تحولات اجتماعی و سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد جامعه است. در خصوص اهمیت و جایگاه علمی، سیاسی و اجتماعی حوزه‌های علمیه تحقیقات زیادی صورت گرفته، اما اکثر این تحقیقات با نگاه تاریخی، علمی و سیاسی به این موضوع پرداخته‌اند. لذا کمتر دیده‌شده تا به کارکردهای اجتماعی حوزه‌های علمیه پرداخته‌شده باشد. درحالی‌که بخش مهمی از فعالیت‌های حوزه‌های علمیه را می‌توان از بعد کارکردگرایی اجتماعی مورد تحلیل قرار داد.

۲. رویکرد تقریبی حوزه‌های علمیه و سبک همزیستی مسالمت‌آمیز

یکی از مهم‌ترین عوامل خشونت‌های مذهبی میان مسلمانان، فراهم نبودن زمینه شناخت و معرفتِ باورها و مبانی فکری مذاهب دیگر است. هر گروهی خود را در تبیین و شناخت مبانی اسلام محق می‌داند و در این راستا هرگونه نگاه مخالف را طرد می‌کنند. عامل شکل‌گیری این طرز نگاه میان مسلمانان، عدم توجه مراکز دینی ازجمله حوزه‌های علمیه به مبانی مشترک اعتقادی و فقهی است. درحالی‌که لازمه شکل‌گیری سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی آن است که طبق دستور صریح قرآن کریم و سیره عملی پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) بر مشترکان اعتقادی و فکری میان فرق اسلامی تأکید شود.

حوزه‌های علمیه به‌مثابه پرچم‌داران تبیین و تعلیم آموزه‌های دینی در زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی این طرز تفکر نقش حیاتی دارند. به همین دلیل حوزه‌های علمیه می‌توانند با رویکرد تقریبی امکان درک صحیح مبانی فکری و تأکید بر مشترکات را در جامعه فراهم کنند و به این طریق زمینه را برای تحقق سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی فراهم سازند. تاریخ فعالیت‌ها و کارکردهای حوزه علمیه گواه این است که کارگذاران این سازمان‌ها به‌عنوان عوامل تحقق اهداف و آرمان‌های

آن‌ها تأثیر زیادی بر تعیین سیاست‌ها و رویکردهای تقریبی آن‌ها دارند. چنانچه آیت‌الله بروجردی در زمانی که رهبری حوزه علمیه قم را در دست داشتند با تأسیس دارالتقريب، رویکرد تقریبی را به‌عنوان یک ضرورت برای جامعه اسلامی دانسته، آن را مورد تأکید قراردادند (زنګنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۸۲).

مکتب سامرا را می‌توان نماد رویکرد تقریبی دانست. حرکتی که توسط میرزای شیرازی به هدف تقریب مذاهب اسلامی ایجاد گردید و نتایج و پیامدهای مهم اجتماعی در پی داشت. از جمله پیامدهای مکتب تقریبی سامرا که با حضور میرزای شیرازی و انتقال حوزه علمیه از نجف که یک شهر شیعه‌نشین و سالیان متمادی مرکز حوزه علمیه بود به یک شهر سنی‌نشین، این بود که شاگردان و علمای زیادی باروحیه تقریب‌گرا تربیت شدند که باعث به وجود آمدن سبک همزیستی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر تعامل و همبستگی اجتماعی میان شیعیان و اهل سنت گردید (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۰)؛ بنابراین حوزه‌های علمیه در پرتو رویکرد تقریبی نه تنها زمینه‌های فکری و فرهنگی همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان را فراهم می‌سازند، بلکه زمینه را برای یک تحول اجتماعی عظیم نیز فراهم می‌کنند.

۳. تقویت مطالعات تطبیقی در حوزه‌های علمیه و سبک همزیستی مسالمت‌آمیز

همزیستی مسالمت‌آمیز سبک زندگی است که لازمه آن هم‌پذیری و همگرایی اجتماعی است. این همگرایی زمانی تحقق پیدا می‌کند که گروه‌ها و افراد جامعه نسبت به عقاید و باورهای همدیگر احترام متقابل داشته باشند. درواقع احترام به عقاید دیگران از نشانه‌های متمدن بودن انسان قرن حاضر تلقی می‌گردد. به همین دلیل امروزه تعدد و تکثر الگوهای فکری و اعتقادی به یک حقیقت مسلم تبدیل شده است (اعتمادی فرد و صارمی، ۱۳۹۶: ۵۵۶).

البته باید خاطر نشان کرد این تنوع و تکثر اندیشه‌ها و مکاتب فکری، از لوازم تداوم حیات دینی در دنیای معاصر است؛ زیرا تعارضات و تنوع نگرش‌هاست که انسان را به تلاش و تحقیق در مسائل دینی وامی‌دارد؛ اما گاهی این تنوع و تکثر اعتقادی

باعث به وجود آمدن ستیزه‌جویی‌های اجتماعی می‌گردد. علت این ستیزه‌جویی‌ها را می‌توان در عدم شناخت و معرفت درست پیروان افکار و عقاید مختلف نسبت به پیروان سایر اندیشه‌ها دانست. برای اینکه تنوع فکری و گرایش‌های مختلف افراد، منجر به خشونت‌گرایی و ستیزه‌جویی اجتماعی نگردد، گزینه بهتر از اینکه زمینه‌های شناخت و درک عقاید مخالف برای افراد فراهم شود، وجود ندارد.

تردیدی وجود ندارد که عامل اکثر خشونت‌های مذهبی میان پیروان مذاهب و فرقه‌های اسلامی عدم شناخت و آگاهی آنان از عقاید و باورهای همدیگر است. این آگاهی زمانی حاصل می‌شود که زمینه مطالعه و تحقیق در مورد عقاید و باورهای پیروان فرق و مذاهب فراهم باشد. در این خصوص نهادهای آموزشی و فرهنگی می‌توانند نقش برجسته‌ای داشته باشند. از همین رو حوزه‌های علمیه به‌عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی که وظیفه تبیین و تبلیغ عقاید، باورها و آموزه‌های مذهبی را به عهده دارند، نقش بارزی دارند. به عبارت دیگر، این حوزه‌های علمیه است که زمینه شناخت و معرفت را در مبلغان و مروجان مذاهب اسلامی فراهم می‌کنند. در صورتی که این نهادها بتوانند زمینه مطالعات تطبیقی فقه و عقاید مذاهب اسلامی را فراهم کنند، مبلغان مذهبی نیز از این رویکرد متأثر خواهند شد.

پژوهشگری در این خصوص می‌نویسد: «با مطالعه تاریخی می‌توان دریافت که فقه تطبیقی از سابقه تاریخی و پیوند یافته با تاریخ مذاهب اسلامی و عصر امامان معصوم^(ع) برخوردار است. مناظره امام صادق^(ع) با ابو حنیفه و اصحاب ائمه نظیر معاذبن مسلم که پرسش‌های دینی مردم را بر اساس مکاتب مختلف فقهی پاسخ می‌داد، امر متداول بود. در حوزه‌های علمیه نیز سابقه آن به قرن پنجم به زمان سید مرتضی علم‌الهدی می‌رسد. او در این زمینه دو کتاب مهم الانتصار والناصریه را تألیف کرده است. شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی در این عرصه ضمن تألیف کتاب، پشگام بودند. در بین معاصران بزرگانی نظیر محمد جواد مغنیه، سید محسن حکیم، شرف الدین و در اواخر بزرگانی چون بروجردی، جناتی و سبحانی تلاش کرده‌اند» (خضرلو، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

یکی از اندیشمندانی که در حوزه مطالعات تطبیقی میان فقه مذاهب اسلامی و سایر ادیان فعالیت‌های مهمی انجام داده، علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان است. در احوال ایشان نقل شده که: «ما با او [علامه طباطبایی] تجربه‌ای را گذرانیدیم که احتمالاً در جهان اسلامی یگانه است؛ پژوهش تطبیقی مذاهب جهان به هدایت و ارشاد مرشد و علامه ایرانی، ترجمه‌های انجیل، ترجمه فارسی اوپانیشادها[ی هندوها]، سواتراهای بودایی و...» (شایگان، ۱۳۷۱: ۴۵)؛ بنابراین رویکرد مطالعات تطبیقی در حوزه‌های علمیه می‌تواند تأثیرات مهمی در سبک زندگی اجتماعی افراد داشته باشد. این مطالعات زمینه تقریب مذاهب و احترام به عقاید دیگران را فراهم می‌کند. احترام به عقاید دیگران زمانی تحقق پیدا می‌کند که نسبت به خط قرمزها و مقدسات دیگران شناخت و معرفتی وجود داشته باشد و این شناخت با تقویت رویکرد مطالعات تطبیقی در مراکز علمی و حوزه‌های علمیه تحقق پیدا می‌کند.

۴. کارکردهای اجتماعی حوزه‌های علمیه

حوزه‌های علمیه به‌عنوان یک نهاد علمی و آموزشی کارکردهای متعددی می‌توانند داشته باشند. از بعد علمی، آموزشی، مدیریتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان کارکردهای برای حوزه علمیه برشمرد. «نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی و سیاسی حوزه علمیه و در رأس آن مرجعیت شیعه، پیشینه‌ای در دو سده اخیر دارد. باین حال بن‌مایه مرجعیت و عالمان دینی به‌عنوان تبیین و ترویج‌کننده آموزه‌های مذهب و احکام شرعی پیشینه‌ای بسیار دور دارد، بنابراین وجه دینی مرجعیت بر وجوه اجتماعی و سیاسی آن مقدم است» (زهیری، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

درواقع، «حوزه‌های علمیه در عصر غیبت از لحاظ دینی موقعیت ویژه دارند و علمای اسلام به‌عنوان حجت‌های الهی وظیفه‌دارند بر اساس دستورهای دین اسلام، مردم و جامعه را از جهات مختلف روحی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی هدایت کنند» (صلواتیان، مردانی و سعادت، ۱۳۹۸: ۱۱۳). رهبر انقلاب اسلامی ایران در خصوص کارکردهای حوزه علمیه می‌گوید: «ما وقتی به تصویر

دنیای اسلامی کشورمان نگاه می‌کنیم، پنج کار اصلی را می‌بینیم که باید انجام آن را از حوزه توقع داشته باشیم. از آن پنج کار، سه کار است که خود حوزه برای بقای خودش، تقریباً به آن‌ها احتیاج دارد و دو کار دیگر بیرون حوزه بدان احتیاج دارند». مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی حوزه‌های علمیه را می‌توان در تربیت رهبران اجتماعی، مبارزه فکری با عوامل اختلاف و آموزش هنجارهای فرهنگی و اجتماعی خلاصه نمود (رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بررسی کارکردی حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که این نهاد علمی، فرهنگی و آموزشی در ابعاد مختلف بر ساختارها، هنجارها و الگوهای سبک زندگی اجتماعی مسلمانان مخصوصاً شیعیان تأثیر زیادی داشته‌اند. حوزه‌های علمیه که بر اساس نیازهای تاریخی شکل گرفته بودند، توانستند حجیت حضور و فعالیت خویش را نیز از نظر شرعی اثبات کنند. ضرورت آموزش روحانیان به سبک خاصی که تاکنون نیز امتداد یافته، انسجام در فعالیت‌های دینی و حرکت‌های علمی یکپارچه، گسترش فعالیت‌های تبلیغی، ارتقای توانایی‌های اجتماعی سبب شد حوزه‌های علمیه شکلی نهادی به خود بگیرند. در برخی بررسی‌ها با توجه به شاخص‌هایی که برای سازمان ذکر شده، تشکیلات روحانیت را به مثابه یک‌شبه سازمان اجتماعی در نظر گرفته است (اخلاقی، ۱۳۸۴: ۲۳ به نقل از زهیری، ۱۳۹۶: ۱۰۷)؛ بنابراین حوزه‌های علمیه به‌عنوان یک سازمان و نهاد مؤثر در تحولات اجتماعی از طریق کارکردهای ذیل بر سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان فرقه‌های اسلامی تأثیر می‌گذارند.

۱-۴. نقش حوزه‌های علمیه در تقویت انسجام اجتماعی

سازمان‌ها و نهادهای دینی یکی از مهم‌ترین نهادها در جوامع دینی است. اهمیت و جایگاه این گونه نهادها، به نسبت تفاوت جوامع بشری، متفاوت است. حوزه‌های علمیه در طول تاریخ تحولات خود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای در جهت‌دهی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مسلمانان داشته‌اند (میرزاپوری و اسماعیلی کریزی، ۱۳۹۳: ۶۶).

اولین و مهم‌ترین کارکرد حوزه‌های علمیه به‌عنوان مراکز آموزش دینی، تربیت و

آموزش افرادی است که در آینده مدیریت و رهبری جریان‌های اجتماعی را به عهده می‌گیرند. به عبارت دیگر: «حوزه‌های علمیه مرکز رشد و تربیت و سازندگی افراد است» (مدرسی، ۱۳۷۴: ۹۷). به همین دلیل «ماهیت و ساختار حوزه‌های علمیه که از دیرباز محل زندگی، تحصیل و تهذیب بسیاری از علما و بزرگان دین بوده، باعث شده است تا بسیاری از افراد محیط معنوی آن را زمینه رشد و تعالی خود تلقی کنند» (شریعتی و فروغی، ۱۳۹۲: ۵۸). آن گونه که در سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی ایران آمده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای حوزه‌های علمیه، تربیت رهبران سیاسی و اجتماعی است: «شما باید رهبران آینده انقلاب و کشور را در حوزه بسازید و پرورانید و فراهم کنید؛ شخصیت‌هایی که بتوانند رئیس‌جمهور و وزیر و نماینده و نظریه‌پرداز سیاسی باشند» (رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

حوزه‌های علمیه با تربیت رهبران سیاسی و اجتماعی متعهد و باورمند به ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی می‌توانند، قالب و ساختار اجتماعی جامعه اسلامی را تغییر دهند و متحول سازند. «حوزه علمیه باید کارخانه سازندگی انسان، سازندگی فکر، سازندگی کتاب، سازندگی مطلب، سازندگی مبلغ، سازندگی مدرس، سازندگی محقق، سازندگی سیاستمدار و سازندگی رهبر باشد» (رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). به عبارت دیگر حوزه‌های علمیه مکانی برای تربیت رهبران آینده جامعه اسلامی است. رهبرانی که آماده خدمت بدون منت باشند و مبتنی بر اصول اسلامی با انحرافات اجتماعی مبارزه نموده، زمینه فعالیت گروه‌های افراطی، خشونت‌گرا و ستیزه‌جورا در جوامع اسلامی از بین برده یا محدود نمایند و به جای آن بذر محبت، همزیستی، همگرایی و همبستگی اجتماعی را بکارند. تربیت و آموزش رهبران آینده، در واقع یکی از کارکردهای برون‌ذاتی حوزه‌های علمیه محسوب می‌گردد. در حقیقت آنچه جایگاه و اهمیت این مراکز دینی را دوچندان می‌سازد، همین کارکرد تربیتی و آموزشی آن است. ایجاد مکتب سامرا و نقش میرزای شیرازی در تقویت رویکرد تقریبی میان شیعیان و اهل سنت، سبب شد تا علما و شاگردان تربیت‌یافته آن نیز رویکرد تقریبی داشته باشند. به گونه مثال می‌توان به علما و مراجع نامدار شیعه از قبیل آخوند هروی، میرزای نائینی،

علامه شرف‌الدین، علامه کاشف الغطا، سید محمدتقی شیرازی، آیت‌الله کاشانی و سید حسن مدرس نام برد (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۳).

این موضوع محدود به حوزه‌های علمیه شیعی نیست، بلکه مطلق مراکز آموزشی و دینی در میان تمام مذاهب اسلامی، تنها جایی است که رهبران دینی و اجتماعی را تربیت می‌کنند. الویری حوزه‌های علمیه را اصلی‌ترین نهاد آموزش، تربیت و سازمان‌دهی صاحب‌نظران و مبلغان اسلامی در سطوح مختلف می‌داند که با پیشینه دراز و به‌منزله یک سازمان اجتماعی دارای اهداف، ساختار، سازوکار و نقش کارکرد درونی و اجتماعی خاصی بوده است. وی با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی معتقد است حوزه‌های علمیه ازجمله سازمان‌های غیر دیوان‌سالار و از گروه‌های خودیار اجتماعی‌اند که نقش اجتماعی خود را از نظام‌های معطوف به ارزش الهام می‌گیرند. (الویری، ۱۳۸۳: ۳۶۸ به نقل از زهیری، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

امروزه اکثر نویسندگان اتفاق نظر دارند که: «رسالت اصلی حوزه‌ها را می‌توان فرادهی و فراگیری معارف دینی در حیطه‌های مختلف باانگیزه الهی و با جهت‌گیری تربیتی و اخلاقی و انتقال آن به مردم در قالب آموزش، تبلیغ و همراه کسب مهارت‌های جانبی مانند خطابه و مناظره دانست» (زهیری، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

با توجه به نقش و جایگاه رهبران دینی و اجتماعی در سبک زندگی اجتماعی جوامع، می‌توان گفت هرگونه تحول و دگرگونی در این حوزه، ریشه در آموزه‌ها و سیاست‌های فرهنگی حوزه‌های علمیه دارد. تربیت رهبرانی که تفکری مبتنی بر آموزه‌های قرآن، روایات و سیره عملی پیامبر و امامان معصوم داشته باشند، انتظاری است که جامعه اسلامی تنها از حوزه‌های علمیه می‌تواند داشته باشد؛ اما این رهبران چه نقشی در سبک زندگی مسلمانان و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌توانند داشته باشند؟ این مسئله‌ای است که باید دید مبانی فکری، اعتقادی و دینی مسلمانان چه دستوری در خصوص همزیستی مسالمت‌آمیز دارد.

حوزه علمیه می‌تواند از طریق تربیت رهبران دینی و اجتماعی آزاداندیش، متفکر

و وحدت‌گرا زمینه شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان اسلامی را فراهم کنند. بالعکس همین مراکز است که می‌تواند به‌عنوان مراکز پخش نفرت، خشونت و ستیزه‌جویی اجتماعی عمل کنند. فقها و دانشمندانی که تربیت‌یافته حوزه‌های علمیه هستند، بهترین الگوی زندگی همزیستی مسالمت‌آمیزند. نقل شده زمانی که میرزای شیرازی حوزه علمیه شیعه را از شهر شیعه‌نشین نجف به شهر سنی‌نشین سامرا منتقل کرد، عملاً به الگوی سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان شیعیان و اهل سنت تبدیل شد. میرزای شیرازی اقدامات مهمی انجام داد که از آن جمله می‌توان به قضیه قتل فرزندشان، میرزا محمد شیرازی، توسط یکی از پیروان اهل سنت اشاره نمود که میرزا هیچ‌گونه اقدامی نکرد و در پاسخ کنسول انگلیس گفت این یک قضیه ساده است که بین دو برادر اتفاق افتاده است. از دیگر اقدامات تقریبی میرزای شیرازی می‌توان به کمک ایشان به ساخت یک مدرسه اهل سنت اشاره نمود (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۳)؛ بنابراین از کارکردهای مهم حوزه‌های علمیه فراهم‌سازی زمینه‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی از طریق تربیت و آموزش رهبران اجتماعی و فرهنگی است.

۲-۴. نقش حوزه‌های علمیه در بسترسازی فرهنگی سبک همزیستی مسالمت‌آمیز

سبک همزیستی مسالمت‌آمیز بدون فراهم‌سازی زمینه‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی آن امکان‌پذیر نیست. در جوامع اسلامی مبنا و اساس هر باور و اعتقادی قرآن، روایات و سیره عملی پیامبر و امامان معصوم است؛ اما نحوه آموزش و تبلیغ این مبانی ممکن است با رویکردهای متفاوت صورت بگیرد. به‌گونه‌ای که گاهی از عین مطالب برداشت‌های متضاد و ناهمگونی صورت می‌گیرد. اینجا است که نقش مراکز آموزشی و علمی در فرهنگ‌سازی و تبیین هنجارهای فرهنگی و مذهبی برجسته می‌شود. از آنجایی که یکی از اهداف اساسی و مهم حوزه‌های علمیه آموزش و تعلیم آموزه‌های دینی و مذهبی است، بین رویکردها و سیاست‌های آموزشی این مراکز و شکل‌گیری فرهنگ همگرایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی پیوند نزدیکی برقرار است؛ زیرا: «حوزه علمیه از دیرباز یکی از مراکز مهم علمی سنتی شناخته می‌شود

که در آن علوم دینی تحصیل و ترویج می‌شود. برخی افراد به جایی اینکه علم را از مسیرهای دیگری چون دانشگاه کسب کنند، با ورود به مدارس علوم دینی آن را به صورت دینی و با جنس و صورت متفاوت‌تر از محیط‌های دانشگاهی همسانی چون دانشگاه فرامی‌گیرند» (شریعتی و فروغی، ۱۳۹۲: ۵۶).

نقش و جایگاه حوزه‌های علمیه تنها مربوط به آموزش هنجارهای فرهنگی و مذهبی نیست. بلکه تبیین و تحلیل دستورات دینی نیز از دیگر وظایف و اهداف این نهادها به شمار می‌رود. چنانچه رهبر انقلاب اسلامی ایران در این خصوص چنین فرموده: «تشکیل نظام اسلامی که داعیه دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است» (رهبری، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

یکی از جاهای که نقش حوزه‌های علمیه برجسته و قابل توجه به نظر می‌رسد، تعیین سیاست‌های فرهنگی و چارچوب‌های هنجاری است. بر اساس همین چارچوب هنجاری است که مبانی فکری و ایدئولوژیکی جامعه تعیین می‌گردد (هاشمیان و مولایی آرانی، ۱۳۹۴: ۲۴). بر همین اساس است که هنجارسازی و ایجاد فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز باید از میان حوزه‌های علمیه آغاز گردد؛ زیرا کارکرد آموزشی حوزه‌های علمیه تأثیر زیادی بر فرهنگ و هنجارهای اجتماعی دارد. «درمجموع باید گفت، با توجه به کارکرد حوزه علمیه در جایگاه یک نظام علمی و آموزشی که مهم‌ترین مرکز فراگیری علوم دینی است» (شریعتی و فروغی، ۱۳۹۲: ۵۸). زمینه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان مذاهب اسلامی با آموزش هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر همگرایی و همزیستی در همین مراکز ایجاد می‌گردد.

حوزه‌های علمیه با فراهم‌سازی زمینه تفکر و آموزش افرادی با نگرش و باور به همگرایی، همزیستی و دوری از تحزب و تفرقه‌افکنی، بیشترین تأثیر را در فراهم‌سازی زمینه‌های اجتماعی، فکری و فرهنگی همزیستی مسالمت‌آمیز میان

پیروان مذاهب اسلامی خواهد داشت؛ زیرا مبلغان دینی که اکثریت قریب به اتفاقشان دانش‌آموخته‌های حوزه‌های علمیه هستند، زمانی که با تفکر و اندیشه هم‌پذیری، همگرایی، وحدت و انسجام اجتماعی تربیت یافته باشند و خود را ملزم به حفظ هویت جمعی اسلام و ایجاد روحیه و فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی بدانند، مردم عادی از آنان الگو خواهند گرفت. در این میان نقش حوزه‌های علمیه به مراتب از خود طلاب پررنگ‌تر است؛ زیرا این حوزه‌های علمیه است که شخصیت اجتماعی طلاب را می‌سازند و زمینه را برای رشد آن‌ها فراهم می‌سازد (صلواتیان، مردانی و سعادت، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

به بیان دیگر حوزه‌های علمیه به عنوان متولیان دین، مسئول آموزش و تربیت افرادی است که نه تنها رهبری و مدیریت عقاید مردم را به عهده دارند، بلکه وظیفه دارند که به تنظیم رفتارهای اجتماعی، نگهبانی و تقویت اخلاق و ایجاد همبستگی اجتماعی نیز پردازند (عیسی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۱۰)؛ بنابراین حوزه‌های علمیه به صورت غیرمستقیم مسئول تربیت اخلاقی جامعه اسلامی و تنظیم رفتارهای اجتماعی آنان است.

بدین ترتیب با عملکرد درست حوزه‌های علمیه ریشه‌های تحزب، اختلاف، خشونت‌های مذهبی، ستیزه‌جویی و چنددستگی اجتماعی از بین خواهد رفت و جای آن را همزیستی و همگرایی اجتماعی که یکی از ضروریات قوت و قدرت جامعه اسلامی محسوب می‌شود، خواهد گرفت. لذا امروزه اگر مشاهده می‌کنیم در برخی موارد، فرقه‌گرایی و خشونت‌طلبی مذهبی حیثیت و کیان جمعی امت اسلامی را با خطر فروپاشی مواجه ساخته، دلیل آن نبود فرهنگ و تلاش‌های فرهنگی است که باعث همزیستی مسالمت‌آمیز، همگرایی و انسجام اجتماعی می‌گردد. چنانکه رهبر انقلاب اسلامی ایران به این موضوع اشاره نموده و تصریح می‌کند که: «من بخشی از نقایص موجود در مسائل فرهنگی به ویژه صداوسیما و آموزش و پرورش را متوجه روحانیت و حوزه علمیه می‌دانم؛ زیرا وظیفه جهت‌دهی صحیح فرهنگی و منطبق با ارزش‌ها و اعتقادات دینی بر عهده روحانیت و حوزه علمیه است» (رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱).

کار دیگری که حوزه‌های علمیه می‌تواند برای فراهم‌سازی زمینه فرهنگی و هنجاری سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی از طریق تعیین ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مذهبی انجام دهد، تفکیک و تعیین مرزهای معین میان مقدسات دینی و اموری که جزء حوزه فروع دین محسوب می‌شوند، هست؛ زیرا هیچ تردیدی وجود ندارد که هرکدام از مذاهب اسلامی عقاید و باورهای خاصی در مورد برخی مسائلی دینی دارند. از سوی دیگر برخی مسائل و نمادها برای پیروان مذهب معینی جنبه تقدس دارد که خط قرمز آن محسوب می‌شود. لذا هیچ‌گونه توهین و اهانت را در این موارد نمی‌پذیرند.

درواقع، تفاوت اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها یک امر طبیعی و از مواردی است که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است؛ اما باید توجه داشت که اسلام نمی‌خواهد جنبه‌های اختلافی به ستیزه‌جویی اجتماعی تبدیل گردند. بلکه اسلام با اختلاف به معنای ضدیت، ستیزه‌جویی، خشونت‌گرایی و نا همزیستی مسالمت‌آمیز مخالف است (علی اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰۵). نقش و چگونگی فعالیت‌های حوزه‌های علمیه در این خصوص بیشتر از سایر بخش‌ها است. روشنگری و اشاعه معارف اسلام حقیقی و به دور از خرافات و تعصب‌های کور وظیفه حوزه‌های علمیه است. به عبارت دیگر حوزه‌های علمیه مسئول پاسداری از هنجارهای فرهنگی و ایمان جامعه اسلامی و دفاع از مبانی فکری و اعتقادی مسلمانان هستند (صلواتیان، مردانی و سعادت، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

۳-۴. نقش حوزه‌های علمیه در مبارزه با عوامل اختلاف میان مسلمانان

تشخیص و شناسایی عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ستیزه‌جویی، خشونت و اختلافات مذهبی میان مسلمانان یکی از کار ویژه‌های مراکز دینی و علمی است. حوزه‌های علمیه به عنوان سردمداران فعالیت‌های علمی، دینی و مذهبی میان مسلمانان نقش اساسی در بیداری امت اسلامی و تشخیص و مبارزه با عواملی دارند که باعث اختلافات مذهبی میان مسلمانان می‌گردد. در این خصوص دو موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی عوامل اجتماعی ستیزه‌جویی و دیگری نقش

قدرت‌های استعماری در تشدید اختلافات مذهبی و نا همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان.

۱-۳-۴. مبارزه حوزه‌های علمیه علیه عوامل اجتماعی ستیزه‌جویی

قبل از ظهور اسلام، مردم شبه جزیره عربستان گرفتار انواع خشونت‌ها، ستیزه‌جویی‌ها و چنددستگی‌های اجتماعی بودند. این موضوع زندگی اقوام، مذاهب و قبایل عرب را با سختی‌ها و دشواری‌های زیادی مواجه ساخته بود؛ اما دین اسلام با عوامل اجتماعی این سبک زندگی مبارزه نموده و راه را برای اخوت، برادری و همزیستی مسالمت‌آمیز میان قبایل متخاصم فراهم نمود. امروزه این رسالت حوزه‌های علمیه است که با عوامل اجتماعی ستیزه‌جویی، خشونت‌گرایی و اختلافات مذهبی مبارزه کنند. این رسالت را حوزه‌های علمیه می‌توانند با مبارزه علیه تعصب، قوم‌گرایی، نژادپرستی و پرهیز از اتهامات ناروا به پیروان سایر مذاهب آغاز نمایند. چنانکه بسیاری از بزرگان حوزه‌های علمیه در این خصوص گام‌های بزرگی نیز برداشته‌اند که می‌توان به اقدامات تقریبی میرزای شیرازی و تأسیس مکتب سامرا و حوزه علمیه قم در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی اشاره نمود که دارالتقریب را در مصر تأسیس نمود (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۸۲). در نتیجه‌ی همین اقدامات بود که شیخ محمود شلتوت در فتوای تاریخی خود تعبد به مذهب امامیه را تجویز نموده و مذهب شیعه را در سال ۱۳۳۷ ش. یکی از مذاهب اسلامی معرفی نموده است (خسروشاهی، ۱۳۸۱: ۱۶۹). در افغانستان ایجاد شورای اخوت اسلامی توسط آیت‌الله شیخ محمدآصف محسنی، مؤسس و مسئول فقید حوزه علمیه خاتم النبیین^(ص)، از مهم‌ترین اقدامات تقریبی است که می‌تواند الگویی برای سایر حوزه‌های علمیه و مراکز دینی باشد.

کارکرد دیگری که حوزه علمیه در خصوص مبارزه با عوامل اختلاف و ستیزه‌جویی می‌تواند داشته باشد، مبارزه با عناصر افراطی و تندروی است که پیروان مذاهب اسلامی را به کفر، ارتداد و خروج از دین متهم می‌کنند. این جریان‌ها هم در میان شیعیان و هم در میان اهل سنت در حال گسترش است (علی‌اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰۰). از آنجایی که این‌گونه افراد خود را منادی و دعوت‌گران دینی می‌دانند، لذا برای جذب

مخاطبان خود معمولاً خود را به یکی از مراکز دینی مهم و حوزه‌های علمیه مشهور نسبت می‌دهند. حوزه‌های علمیه با طرد این دسته از افراد می‌توانند زمینه‌های اجتماعی خشونت‌گرایی و ستیزه‌جویی مذهبی را در میان مسلمانان بخشکانند.

۲-۳-۴. حوزه‌های علمیه سنگر مقاومت علیه قدرت‌های استعماری

بروز چنددستگی و اختلافات مذهبی میان مسلمانان زمانی به زخم ناسوری تبدیل شد که پای قدرت‌های استعماری در کشورهای اسلامی باز شد. بی‌جانیست که سیاست «اختلاف بینداز و حکومت کن» را به بریتانیای کبیر نسبت می‌دهند. ریشه این دشمنی به گذشته‌های دور برمی‌گردد. درواقع: «ملت‌های اسلامی از بدو تأسیس مورد تهاجم و توطئه عوامل بیگانه خصوصاً غرب قرار داشتند. تکبر، تمامیت‌خواهی و ترس از اسلام و مسلمین و سوابق شکست‌های متعدد آن‌ها را بر آن می‌دارد که هیچ‌گاه دست از دسیسه برندارند» (نیک‌پناه، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

بسیاری از بزرگان حوزه به این ترفند استعمارگران واقف‌اند. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «من می‌خواهم این را بگویم در این کار انگلیسی‌ها از بقیه دشمنان استعماری متبحرترند. در ایران، ترکیه و کشورهای عربی و در شبه‌قاره هند این‌ها سال‌ها زندگی کرده‌اند و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می‌شود سنی را علیه شیعه و شیعه را علیه سنی تحریک کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۶). به همین دلیل مسئولان حوزه‌های علمیه با درک این عامل اختلاف، تلاش کرده‌اند تا مبارزه با سیاست‌های استعماری را سرلوحه کار خود قرار دهند. بررسی تاریخ حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که قدرت‌های استعماری به خاطر احساس خطر از سوی این مراکز دینی، به‌روش‌های مختلفی تلاش کرده‌اند تا حوزه‌های علمیه را از جامعه جدا کرده و پایگاه مردمی آنان را تضعیف نماید. در زمانی که میرزای شیرازی حوزه علمیه را از نجف به سامرا منتقل نمود و تلاش می‌کرد تا بین شیعه و سنی رویکرد تقریبی ایجاد نماید، دست‌نشانده‌های دولت انگلیس تمام سعی‌شان را به خرج می‌دادند تا بین شیعه و سنی اختلاف انداخته، به درگیری‌های فرقه‌ای دامن بزنند (دارابی، ۱۳۹۲: ۴۲).

بنابراین یکی از کارکردهای مهم اجتماعی حوزه‌های علمیه تشخیص و نشان دادن عوامل اختلاف میان مسلمان و راه‌های مقابله با آن هست. حوزه‌های علمیه در این خصوص ابزارهای کلیدی و مهمی در اختیار دارند که از طریق آن‌ها می‌توانند توطئه دشمنان اسلام را خنثی کنند. جهت‌دهی به عقاید، باورها و اندیشه‌های سیاسی رهبران سیاسی، اجتماعی و مذهبی مسلمانان از یک‌سو، تأثیرگذاری بر سبک زندگی مسلمانان از طریق تبلیغ و ترویج آموزه‌های بنیادین اسلام از سوی دیگر، دو ابزار مهمی است که حوزه‌های علمیه در اختیار دارند تا به اختلافات مذهبی که بخش بزرگ آن ناشی از مداخلات قدرت‌های استعماری است، نقطه پایان گذاشته و زمینه را برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی فراهم سازند.

این حوزه‌های علمیه است که با تبیین اهمیت و ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان، تأکید بر وحدت و همگرایی، جامعه اسلامی را به قدرت بزرگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌کنند. به همین دلیل کارکرد و نقش حوزه‌های علمیه در مبارزه با عوامل اجتماعی و سیاسی ستیزه‌جویی، خشونت‌گرایی مذهبی و اختلافات مذهبی میان پیروان مذاهب اسلامی مثبت و برجسته ارزیابی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق با توجه به اهمیت و جایگاه حوزه‌های علمیه در تحقق سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب و فرقه‌های اسلامی، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری این نهاد بر سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی پرداخته شده است. از آنجایی که حوزه‌های علمیه به‌عنوان مراکز علمی، دینی و آموزشی علاوه بر اهداف و کارکردهای خاصی که در حوزه عقاید دارند، کارکردهای در حوزه مسائل اجتماعی نیز دارند، به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که حوزه‌های علمیه از جمله نهادهای است که در خصوص تحقق سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی، نقش دوگانه دارند. این نهادها به همان میزانی که از طریق تربیت رهبران با تفکر آزاد، همدیگر‌پذیر و متعهد به اسلام و اندیشه‌های اسلامی از یک‌سو،

تعیین و ترویج هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر و مبارزه با عوامل اختلافات، ستیزه‌جویی‌ها و خشونت‌گرایی مذهبی می‌تواند نقش سازنده و مثبت در تحقق سبک همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، به همان میزان می‌توانند نقش مخرب، ستیزه‌جویانه و خشونت‌گرا نیز داشته باشند.

تاریخ تحولات اجتماعی در جوامع اسلامی نشان داده است که حوزه‌های علمیه نقش پررنگی در انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته‌اند. این نقش را در خصوص سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی نیز می‌توان به خوبی مشاهده نمود. بزرگانی از حوزه علمیه قم، نجف اشرف و دانشگاه الازهر مصر برای برچیدن اختلافات مذهبی و ستیزه‌جویی‌های اجتماعی تلاش‌های مهم و سازنده‌ای داشته‌اند؛ بنابراین حوزه‌های علمیه به‌عنوان مهم‌ترین سازمان‌های علمی، فرهنگی و تربیتی دارای کارکردهای اجتماعی است که یکی از آن کارکردها می‌تواند زمینه‌سازی برای شکل‌گیری و تداوم سبک همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی باشد.

فهرست منابع

۱. اربطیان، حسن، (۱۳۸۵)، «سیر تحولات ساختار، معرفتی در حوزه‌های علمیه»، مجله معرفت، شماره ۱۰۳، صص ۱۰-۲۲.
۲. اعتمادی‌فرد، سید مهدی و صارمی، انیس، (۱۳۹۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی انگیزه‌های مهاجرت از دانشگاه به حوزه علمیه»، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۴، صص ۵۵۱-۵۷۰.
۳. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۸۶)، رهنمودهای ولایت، تهران: قدس.
۴. خسروشاهی، سید هادی، (۱۳۸۱)، میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، قم: کلبه شروق، مرکز بررسی‌های اسلامی.
۵. خضزلو، رسول، (۱۳۹۸)، «آسیب‌ها و چالش‌های تبلیغ در عرصه بین‌الملل در حوزه علمیه با تکیه بر آرای رهبری»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۳۵-۱۵۸.
۶. دارابی، بهنام، (۱۳۹۲)، «حوزه علمیه تقریب‌گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۳۹-۴۹.
۷. دانشیار، مرتضی، (۱۳۹۱)، «اصطلاح حوزه علمیه: تاریخچه پیدایی و تحولات معنایی»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۵، شماره اول، صص ۸۱-۹۳.
۸. زنگنه، پیمان و حمیدی، سمیه، (۱۳۹۵)، «بازنمایی نقش حوزه علمیه شهر قم در ظهور گفتمان اسلام سیاسی در دوره پهلوی (با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۶۱-۷۳.
۹. زهیری، علیرضا، (۱۳۹۶)، «هویت حوزه‌ای و انقلابی بودن به مثابه امر سیاسی»، مجله سیاست پژوهی، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۰۳-۱۳۲.
۱۰. شایگان، داریوش، (۱۳۷۱)، هانری کربن: آفاق تفکر معنوی در اسلامی ایران، ترجمه: باقر پرهام، تهران: آگاه.

۱۱. صلواتیان، سیاوش؛ مردانی، زهرا و سعادت، مجید، (۱۳۹۸)، «در آمدی بر سیاستگذاری آموزش سواد رسانه‌ای به طلاب در حوزه‌های علمیه»، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۴، شماره ۳۰، صص ۱۰۵-۱۳۰.
۱۲. علی اکبر، راضیه، (۱۳۹۲)، «اخلاق و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب»، مجله اخلاق و حیانی، سال اول، شماره چهارم، صص ۹۲-۱۱۹.
۱۳. عیسی‌نیا، رضا، (۱۳۹۳)، «نقش و جایگاه اجتماعی-سیاسی روحانیت در سه دهه بعد از انقلاب اسلامی»، مجله سپهر سیاست، سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۳۱.
۱۴. کوزر، لوئیس، (۱۳۸۲)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. مدرسی، سید محمد تقی، (۱۳۷۴)، حوزه‌های علمیه: طرح نو بر پایه ارزشها، ترجمه: حمید رضا آژیر، چاپ اول، قم: دارالقلم.
۱۶. مؤمنی، حسین و توکلی، عبدالله، (۱۳۹۷)، «بررسی وضعیت سیاست گذاری نظام آموزش حوزه‌های علمیه افغانستان»، دو فصلنامه اسلام و مدیریت، سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۷-۲۳.
۱۷. میرزاپوری، جابر و اسماعیلی کریزی، غلامعلی، (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد مساجد بر پویایی فرهنگ اسلامی»، مجله معرفت، سال ۲۳، شماره ۱۹۹، صص ۶۵-۸۰.
۱۸. ندوی، علی، (۱۳۹۷)، نقش طلاب و حوزه‌های علمیه در جامعه، ترجمه: یار محمد امراء، نشر قلم.
۱۹. نیک‌پناه، منصور، (۱۳۸۹)، «آسیب شناسی وحدت و انسجام اسلامی»، همایش منطقه‌ای اتحاد و انسجام در آموزه‌های قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، صص ۱۸۰-۲۲۲.
۲۰. هاشمیان، سید محمد حسین و مولایی آرانی، مهدی، (۱۳۹۴)، «الگوی هنجاری

مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور از منظر مقام معظم رهبری»، دو فصلنامه دین و سیاست، شماره ۴، صص ۲۳-۴۶.